

تحلیلی بر شعرهای

سهراب سپهری

مؤلف:

زینب خاتون مجیدی

فهرست مطالب

مقدمه	۷
سهراب سپهری	۱۵
رفان سپهری	۲۳
دنیای نازه و متفاوت سپهری	۳۱
هایکو	۳۹
بیان کودکان در شعر سپهری	۴۳
تشبیهات نامتعارف	۴۷
جان انگاری در شعر سپهری	۴۹
پی نوشت	۵۳
منابع	۵۷

مقدمه

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

عادات آدمی، بخشی از موجودیت انسان به حساب آمده و تاثیر زیادی در شکل‌گیری ذهنیت و تکوین وی دارند. انسان موجودی است که می‌تواند با آنچه در دنیای خود دارد، خو بگیرد و در محدوده‌ی آن، اندیشه، رفتار و کنش‌های خود را سازمان بخشد. بخش عظیمی از ذهنیت، بینش و رفتارهای انسانی در عاداتی ریشه دارند که آدمی بر اثر حضور در متن شرایط و روابط خاص آن را بدست می‌آورد و به تدریج آنها را به ساسی این چارچوب زندگی درون و برونی خود تبدیل می‌کند. عاداتها را هم میتوان محصول زندگی انسان در سایه‌ی مناسباتی ویژه دانست؛ هم می‌شود از آنها به عنوان مصدر و نشأ روابط و احوال سخن گفت که در زندگی انسانی وجود دارند. عاداتها از جهات مختلف و بر اساس معیارهای متفاوت به طبقات و انواع مختلفی قابل تقسیم هستند.

آنها در حریم دنیای فردی به گونه‌ای ظهور کرده و بر احوال انسان تاثیر می‌گذارند؛ و در حوزه جامعه، شکلی دیگر از تجلی به خود می‌پذیرند، عادات فردی، نسبت به عادات اجتماعی حالتی شکننده‌تر دارند و بر اثر

تغییر روابط و شرایطی که منجر به پیدایش آنها شده است، می‌توانند تغییر ساختار و ماهیت دهند؛ یا حتی از بین بروند. اما عادت تاریخی و عمومی، در برابر عوامل تغییر دهنده، از مقاومت و مداومت بیشتری برخوردار بوده و به ندرت، در معرض تحول و دگرگونی قرار می‌گیرند. زیرا مبنای باورها و فرهنگ و مناسباتی هستند که افراد جوامع در چارچوب آنها می‌اندیشند و زندگی می‌کنند. قوانین و قراردادهای موجود در زندگی آدمی، هر کدام به نوعی با عادات اجتماعی و تاریخی نروده‌ی مخالف انسانی مختلف انسانی پیوند دارند. هرچه به نخستین روزگار انبیاات انسان نزدیکتر شویم عادات کمتری را در دنیای انسان شاهد خواهیم بود. دوران کودکی بشر یعنی زمانی است که انسانها هنوز با قوانین و قراردادهای غنی و عینی در نیامیخته بودند و دایره‌ی عادت‌ها زندگی و ذهن آنها را احصر نداشت. در این دوران بشر به جهت دوری از قیود و ناآگاهی‌هایی که داشته می‌توانستند دنیایی پراز شگفتی و تازگی داشته باشد چراکه عادات مازم چنین احساسی در انسان هستند. شگفتی و تازگی، زمانی و در جایایی می‌آید که حصار عادت و تکرار بر پیرامون انسان حائلی ایجاد نکند. انسان و آدمی در مواجهه‌ی مستقیم و بی‌واسطه‌ی تجربیات خود قرار می‌گیرد و بهر بیش از هر زمان دیگر در دوران کودکی خویش یعنی زمانی که هیچ مانع و رها از قیود ذهنیات و عادات داشت چنین احوالی را تجربه نموده است.

"...که در یک دوره‌ای از تاریخ، انسان‌ها شاعر بودند و در آن دوره‌ای که از رویدادهای عادی طبیعت در شگفت می‌شدند و هر نوع ادراک حسی از محیط برای تازگی داشت و حیرت آور بود" ۱ انسان‌های نخستین درست همچون کودکی که در ابتدای طریق آموختن و تجربه کردن قرار دارد به جهت نیاموختن با قراردادهای و قیود مختلفی که به تدریج بر دنیا و احوال او سایه می‌افکند قادر بوده‌اند حس و دریافتی عادی از عادات داشته باشند؛ این دوران از زندگی انسان، ابتدای حضور وی بر گستره عادات، آفرین زندگانی بوده است. انسان اولیه هنوز ابزارهای کافی برای عادی نمودن اموری که برایش غیر عادی بوده و آنچه او را در مسیر ایجاد عادات، همان گشته، دانسته‌ها و تجربیاتی است که یکی پس از دیگری بر او می‌بارید، های کردن احوال در او افزوده و زمینه‌ی آشنایی او را با مظاهر مختلف آن فراهم آورده است.

انسان در ساختار و موجودیت خود استعدادهای ویژه برای عادت کردن دارد. خصلتی که او را وادار می‌سازد، تا با هر امری سازگار شود و بتواند با مظاهر آن انس گیرد؛ ایجاد الفت با محیط و امور میانه دنیای وی را می‌سازند خصلتی فطری در وی است. هنوز انسان‌های مختلف در دنیا و اقلیم‌های متفاوت و زندگی وی در سایه عرف باور و قراردادهای مختلف، همگی از ویژگی انطباق در او حکایت دارند و گویای این امر هستند که در انسان ظرفیتی برای عادت کردن تعبیر شده

است. عادات‌ها به آسانی در زندگی انسان راه می‌یابند و نظام آن را با خود هماهنگ می‌سازند.

عادات‌ها در حوزه‌ها و عرصه‌های متنوع و متفاوتی خود را نشان داده و در چارچوب تعاریف گوناگونی قرار می‌گیرند. عمیق‌ترین و موثرترین حوزه عادت، حوزه ذهن و اندیشه و بازتاب‌هایی است که از این منشأ در می‌شوند. افکار و عواطف انسان در محدوده‌ی عادات‌ها شکل گرفته و بن می‌یابند و به صورت‌های مختلفی خود را بروز می‌دهند. دست‌آورد عادت‌ها آن‌هایی که جنبه ذهنی و عاطفی می‌یابند، در آثاری خود را ظاهر می‌کنند که آنها را می‌توان آثار فکری و عاطفی نامید. هنر و ادبیات اصلی‌ترین نمود این تجلی است که در مجموعه‌ی خود، گونه‌های مختلف عادات انسان را بازتاب می‌کنند. و نیز ستیزی ما و عدولی را که هنرمندان از هنجارهای عادی ذهن و اندیشه نموده‌اند، می‌نمایاند. این تجلی یعنی هنر و ادبیات، دامنه‌ای گسترده را در بر می‌گیرد و ویژگی‌های مختلف انسانی، اعم از جزئیات‌های درونی و ذهنی و نیز آثار بیرونی و نمایان در زندگی انسان را زیر سایه‌ی خود قرار می‌دهد. ظرفیت و خاصیت آثار هنری چندان است که می‌تواند مسائل مختلف انسانی را در خود جای دهند. عناصر و ابزارهای مختلفی که در حیطه‌ی کار هنری و در اختیار هنرمند قرار دارد این کار را بر روی می‌سازند و او را در پرداختن ساحتی از زندگی انسانی و در عین حال

لذت بخش یاری میدهند. " هنرمند ... منابع لذت وسیع‌تر در اختیار دارد.

نخست به آن سبب که میتواند بازی‌های خیال و ردپای بیداری خود را بیالاید و لحن و و زنگ شخصی آن‌ها را که ممکن است برای گوشه‌های بگانه ناهنجار باشد و از آنها بزداید و آنها را برای دیگران لذت بخش کند و نیز می‌داند آنها را به قدر کفایت تغییر شکل دهد... " ۲ هنر و ادبیات در حوزه‌ی وسیع و شاید بی‌نهایت خود توانسته است زمینه‌ها، آثار و بازتاب‌های متنوع زندگی انسان را بیان کند و در دایره‌ی خود، از احوال و رابطات و امری سخن بگوید که دیگر عرصه‌ها و بیان‌ها از بازگویی آنها باز مانده‌اند.

" کار هنرمندان این است که آنچه را که ممکن است در قالب استدلال و تعقل نامفهوم و دور از دسترس برای بماند، مفهوم سازد و در دسترس همه‌ی مردم قرار دهد... " ۳

علی‌رغم چنین کارکرد و ظرفیتی در هنر، این حوزه نیز از عوارض و آثار عادت، که امری نهادی در انسان است، مصون نیست و همواره استعداد آن را داشته که در دایره‌ی عاداتی خاص محصور بماند و به تبع آن عواطف و روحيات و آرزوهای متنوع انسانی با عادات در آمیخته و ماهیت آنها با عرف و قوانین پذیرفته شده، توانایی بیابند.

هنرمندان نه خود و نه زندگانی‌اش از تأثیر مسائلی که بر جامعه و تاریخ و تفکر جاری در محیط او سایه دارند فارغ نیست. "برداشت هنرمند از جهان، چکیده‌ای از نگاه و تجربه‌ی نسل‌ها و دوران تاریخی را با خود و صل میکند ... حافظه‌ی قوی، افسانه‌ها و ---*تاریخی انسان بر ذهن هنرمند تأثیر دارد..." ۴

براین رواج عادات می‌تواند تا دامنه‌ی آثار هنری راه یابد و محتوا و ساختار آن‌ها را متأثر گرداند و به رها تکرار و ابتذال کشاند.

سابقه‌ی هنری و آثار هنری در خود، نشانه‌های متعدد و مختلفی از عادت‌زدگی و نیز عادت‌زدایی دارند. در کنار کسانی که به شیوه‌های محصول و عادی تمایل دارند، سوره هنرمندان خلاق بوده‌اند که از پیمودن راه آسان دوری جسته در محدود پایایی نای تازه و بی‌سابقه بوده‌اند که بیش از آنها وجود نداشته است.

این هنرمندان از دایره‌ی تکرار و عادات فاصله گرفته و ناخواسته پا به راهی ناهموار گذاراند و از این طریق در کمالات سرّی تعالی آثار هنری تلاش نموده‌اند. انگیزه‌ی اصلی چنین هنرمندان متفاوت از کسانی است که هیچ تلاشی در زدودن آثار تکرار از هنر خویش نداشته‌اند. چنین انگیزه‌ای را غالباً میتوان در نوآوران و هنرمندان صاحب‌سکس سراغ گرفت. چراکه "میل به هم در ریختن نظم موجود و بازآفرینی و به آفرینی آن نخستین و توانمندترین انگیزه‌های آفرینش هنری است" ۵

شعر فارسی، هنر بر مخاطبی است که فراز و فرودهای بسیاری را در سابقه ی خود داشته است. دامنه ی هنر شعر که عمری طولانی را داراست، با همه ی گستردگی و تنوعی که در ظرفیت خود دارد، هرگز نتوانسته از کهنه شدن و ابتدالی که شاعران مقلد، بر آن تحصیل نموده‌اند، در امان بماند و گاهی و در دوره هایی، چنین شاعرانی آن قدر زیاد بوده‌اند که مکررگویی و شیوه‌های تقلیدی آن‌ها، به آسانی توانسته خلاقه و کت بسدمان پیش از آن‌ها را خنثی کند و به روندی مبتذل و بی‌خاصیت تبدیل نماید. این ابتدال، اگرچه ریشه در ذهنیتی کلی دارد اما جرماد و جنبه های مختلفی از شعر از جمله: موضوع، معنا، زبان، تخیل، مضمون، غیره را در بر می‌گرفته است. هرکدام از این جنبه‌ها در جای خود می‌توانند شکلی تکراری و مقلدانه، یا به بیانی دیگر، وجهی عادی و غیر اخلاص، خود پذیرند و به تبع خود، مایه‌ی رکردی ذهنی و فرهنگی در میان مخاطبان خود گردند.

شعر به عنوان هنری که می‌تواند با مخاطبان متنوع و مختلفی ارتباط برقرار کند، از وسعت تأثیر برخوردار بوده و قادر است تأثیرات مختلفی در دنیای فردی و زندگی اجتماعی انسان‌ها بر جای بگذارد. آثار منحنط و بی‌مایه، تأثیرشان جز رواج نمی‌تواند بود و آثار ارزشمند می‌توانند در ارتقا سطح فرهنگ و تفکر و ایجاد رغبت برای نوجویی نقش آفرینی کنند. شعر فارسی با سابقه طولانی و غنای بی‌مثال خود، سرمایه و

حاصل همت شاعرانی است که از خطر کردن نهرا سیده و به طور تمام و کمال، بر اساس ضوابط تعیین شده، شعر سروده‌اند؛

بلکه در کشف و جستجوی شیوه‌های تازه و موثر تلاش نموده و کار شاعری را بر خود چون تکلیفی دشوار دانسته‌اند همگی از این جمله‌اند، و شعر فارسی بر باری خود را از این شاعران دارد.

عادت‌های هنری که دامنه‌ی آثار هنری، از جمله شعر، را فرا می‌گیرند، به همان اندازه خود محدود نمی‌ماند و تا درون جامعه می‌آیند و به صورت مکرر رفتارهای اجتماعی خود را نشان می‌دهند. این عادات ذوق عمومی و فضای شک و دریافت انسان‌های جامعه‌ی خود را تعیین می‌کنند. ضرورت نو آری و عادات زدایی را در هنر نمیتوان به خود هنر محدود دانست؛ بلکه مسئله‌ی هست که ابعاد اجتماعی و تاریخی می‌یابد و بر زندگی و روح انسان‌ها تأثیر می‌گذارد.